

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صبحِ راتِ زده

رضا شاکر اردکانی

سرشناسه: شاکر اردکانی، رضا، ۱۳۴۱ -
عنوان پدید آور: صبح باران زده رضا شاکر اردکانی
مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۹۵۶-۴۴-۴
وضعیت فهرست نویسی: بیا
موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ص ۲ ۹۵۹۵/الف/۱۱۴ PIR
رده بندی دیویی: ۸۱۴/۶۳
شماره ثبت کتابشناسی ملی: ۲۷۱۴۷۸۷



نام کتاب: صبح باران زده
شاعر: رضا شاکر اردکانی
ناشر: انتشارات قداست
نوبت چاپ: اول
تاریخ انتشار: ۱۳۹۱
تیراژ: ۱۵۰۰
چاپ و لیتوگرافی: کمیل قم
طرح جلد: محسن جعفریان
حروف نگار: محمد امین شاکر
قیمت: ۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۹۵۶-۴۴-۴

آدرس: اردکان - شهرک ولی عصر - کوچه آیت الله خاتمی ۶۷ - پ ۳۶

تلفن تماس: ۰۹۱۳۲۵۴۶۵۰۰

EMAIL: GHEDASAT@YAHOO.COM

به نام خدا

مقدمه:

شعر فشرده ترین و تمرکز یافته ترین شکل ادبیات است. شاعر کسی است که لحظه ها را حس کند و زیباتر از همه به نقاشی آنها بپردازد. بنابراین شعر یعنی خود زندگی، همان بازتاب موزون و متیل از دست درونی شاعر از مسائل بیرونی و محیط اطراف که پرواز بر ماورای عالم ناشناخته را برای انسان رقم می زند.

شعر پنجره ای است به از هر سو به روی شاعر گشوده می شود. از این روی محال است مناسبت برای انتقال اندیشه و ایجاد ارتباط با دیگران و زبانی بر زبان صمیمانه و صادقانه ی حالات درونی و دردها و رنج های ختم می شود.

وقتی پنجره را می گشایم حورش و آسمان پر ستاره قاب تماشا می را پر می کند و آنگاه که خلوت تنهایی پا می گذارم خاطرات گذشته تجدید می شود چهره یی که می گذرد که حوزه و دانشگاه، سنگر و خاکریز و دیگر زیبایی های پیش روی خود می بینم. آنگاه به سراغ قلم و دفتر می روم و همه ی آن زیبایی ها را در قالب شعر به تصویر می کشم.

پس شعر همه ی گذشته ام را در برابرم حاضر می سازد و با نگاه به آینده خود را نشان می دهد.

این مجموعه و مجموعه های پیشین با تنوع و گستردگی ویژه از تب و تاب دل شکسته ی پر احساسم خبر می دهد و پیوسته با بوی شقایق های پرپر همراه بوده و هست.

۵۲.....	نگین کویر.....	۷.....	گلشن احساس.....
۵۴.....	می توان آینه شد.....	۱۰.....	آسمانی بگو.....
۵۶.....	شعر.....	۱۲.....	خورشید بی زوال.....
۵۸.....	لحظه های خودم.....	۱۳.....	لاله های جوان.....
۶۰.....	حال جدید.....	۱۵.....	بهار-پنجره-گلدان.....
۶۲.....	وقی که رو به کرب و بلا کرد.....	۱۷.....	سفر کرب و بلا.....
۶۳.....	دشمن پرواز.....	۱۹.....	بازار نظار.....
۶۵.....	گل های کاغذی.....	۲۱.....	کبوتر.....
۶۷.....	چرخ تمدن.....	۲۳.....	محرم.....
۶۹.....	مردم.....	۲۴.....	آینه های معدنی.....
۷۱.....	تصویر کاغذی.....	۲۶.....	سفر کرب و بلا.....
۷۳.....	گذشته ی پرماجرا.....	۲۸.....	گلشن تماشا.....
۷۵.....	تکین های شانه.....	۳۰.....	آه از دل زهرا(س).....
۷۷.....	بهاران و باران.....	۳۲.....	چشمه ی خورشید.....
۷۹.....	نار و آتش.....	۳۴.....	یک گل سرخ.....
۸۱.....	نهاد شیشه.....	۳۶.....	با یاد شهیدان.....
۸۳.....	باران.....	۳۸.....	بوی شهیدان.....
۸۵.....	روزی هزار بار.....	۴۰.....	مثل گل.....
۸۷.....	چتر نقره ای.....	۴۲.....	قیامت.....
۸۹.....	بارانم و بارانم.....	۴۴.....	سبب ترانه.....
۹۰.....	دیدگاه عاشقی.....	۴۶.....	نغز و دلپذیر.....
۹۱.....	دوگانه های سحرگاهی.....	۴۸.....	کویر و عطش.....
۹۳.....	شاعر چهل و یک.....	۵۰.....	اردکان و کویر همیشگی.....

۹۵.....	هزار حیف.....	۱۱۲.....	توبه.....
۹۷.....	صفای آسمان.....	۱۱۴.....	دنیا.....
۹۹.....	بنا زندگی.....	۱۱۶.....	تنهایی.....
۱۰۱.....	بازی می نویسم.....	۱۱۸.....	رنج شاعر.....
۱۰۲.....	پیام بدم.....	۱۲۰.....	دو کبوتر.....
۱۰۴.....	صبح قیال.....	۱۲۲.....	صبح ساعت هشت.....
۱۰۶.....	اول قدم در دانش.....	۱۲۴.....	همراه و همدل.....
۱۰۸.....	بهانه.....	۱۲۶.....	حرف بهاری.....
۱۱۰.....	توفان.....	۱۲۸.....	رباعیات.....